

روزنه

برکناری ۲مدیرکل سیاسی استانداری‌ها

• شرق: در چند روز اخیر دو مدیرکل سیاسی در دو استان برکنار شدند؛ استاندار‌های مازندران و کرمان، دو استانی بودند که مدیرکل‌های سیاسی آنها برکنار شدند. «ربیع فلاح»، استاندار مازندران، «حسین حسن‌نژاد»، مدیرکل سیاسی استانداری مازندران را از سمت خود برکنار کرد. علیرضا رزم‌حسینی، استاندار کرمان هم مدیرکل سیاسی استانداری، یعنی حجت‌الاسلام محمد اسلامی را برکنار کرد که این برکناری حواشی زیادی داشت.

درباره همین حواشی، «حمید ذکا اسدی»، معاون سیاسی و امنیتی استاندار کرمان، با اشاره به مباحث مطرح‌شده درباره تغییر مدیرکل سیاسی انتخابات استانداری گفت: «تاکید رئیس‌جمهوری بر اعتدال و میانه‌روی است و ما هم سعی کردیم این منشی را در استان کرمان پیاده کنیم». او به «ایرنا» گفت: «تحت فشار هیچ گروهی قرار نمی‌گیریم». از اول هم استاندار کرمان اعلام کرد، بنده هم اعلام کردم که ما حرف همه را می‌شنویم، اما تصمیمی را نمی‌گیریم که به نفع استانداری و دولت و بر مبنای شعارهای اعتدال، درست‌کاری و راست‌گویی است». او افزود: «استاندار کرمان به طور مشخص، نماینده دولت تدبیر و امید در استان کرمان است و دکتر روحانی در سخنرانی‌های متفاوت، دو مرتبه به طور صریح گفته‌اند دولت ما دولت راست‌گویان و درست‌کاران است».

اسدی گفت: «اگر من به عنوان مافوق از مدیرکل خود، بی‌صدافتی دیدم الزام دارم با توجه به صراحت سخنان رئیس‌جمهوری درباره راست‌گویی و داشتن صداقت با وی برخورد کنم».

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمان افزود: «در دوران جنگ تحمیلی نیز اگر کسی خلاف اصول تشکیلاتی کاری انجام می‌داد، به طور حتم با وی برخورد می‌شد».

او مدیرکل برکنارشده را به «تخلف تشکیلاتی» و «نداشتن صداقت در امور»، متهم کرد که به گفته او این موارد موجب برکناری «اسلامی» شد.

اسدی افزود: «حجت‌الاسلام عباس اسلامی، در طول خدمت خود در استانداری کرمان با توجه به اینکه نخستین مرتبه وارد تشکیلات سیاسی و انتخابات شده بود، مرتکب تخلف تشکیلاتی شده بود». ذکا اسدی ادامه داد: «به عنوان مثال، درباره ملاقات با سیدمحمد خاتمی وقتی که از وی سؤال شد این ملاقات را چه زمانی انجام داده‌اید، پاسخ داد قبل از انتصاب به سمت مدیرکلی سیاسی و انتخابات استانداری کرمان؛ درحالی‌که این ملاقات در هفته فرهنگی کرمان در تهران انجام شده بود».

او گفت: «حجت‌الاسلام اسلامی از سازمان اوقاف و امور خیریه به استانداری کرمان مأمور شده بود و ما تقاضای مأموریت یک ساله وی را به استانداری داده بودیم و این مأموریت در مهر سال جاری پایان پذیرفت».

او افزود: «استاندار و معاون سیاسی کرمان به طور مشخص، این حق را دارند که ادامه خدمت مأموران به استانداری را تأیید یا رد کنند». معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمان گفت: «حق عمومی و مشخص هر سازمان درباره افراد مأمور در آن سازمان این است که بعد از اتمام زمان مأموریت فرد، مجوز ادامه همکاری با وی را قطع کنند یا ادامه دهند». او گفت: «آنچه در این مدت مطرح شده این بود که حجت‌الاسلام اسلامی به عنوان مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری، ملاقاتی با آقای خاتمی داشته و با وی عکس گرفته است و درحال‌حاضر به دلیل این عکس و برخورد سیاسی و فشار گروه‌های مختلف، استانداری با وی برخورد کرده است». او گفت: «این در حالی است افرادی که توجه دارند و خیرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و فضای مجازی را مطالعه و رصد می‌کنند، می‌دانند من در سمینار ائمه جمعه که در شهر جویار برگزار شد، در رابطه با مدیرکل سیاسی مطالبی را مطرح کردم». ذکا اسدی افزود: «من در آن سمینار گفتم که ما از رئیس دادگستری و دادستان سؤال کردیم و به طور رسمی مودی را اعلام کردیم که شاید هنوز به طور علنی کسی اعلام نکرده است، آن مورد این بود که ملاقات با سیدمحمد خاتمی جرم نیست؛ یعنی با این حرکت و توضیح صریح که گفتیم و منتشر هم شد، مطلب را از حیطه سیاسی‌بودن خارج کردیم». او بیان کرد: «این یعنی اینکه تخلف سیاسی صورت نگرفته، حال آنکه ممکن است برخی بگویند، در این اقدام بی‌تدبیری شده است. آنچه موجب برخورد با حجت‌الاسلام اسلامی به عنوان مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری کرمان شده، تخلف تشکیلاتی است».معاون استاندار کرمان افزود: «حساسیت در

مسائل سیاسی بالاست؛ به‌ویژه که باید توجه داشته باشیم ما در استان کرمان منشور همدلی و اخلاق انتخاباتی و عقلانیت سیاسی را نوشته‌ایم». او با بیان اینکه برخی عنوان می‌کنند نماینده عالی دولت در کرمان تحت فشار تصمیم می‌گیرد، تأکید کرد: «من با صراحت می‌گویم این موضوع به هیچ عنوان صحت ندارد». او گفت: «همچنین می‌خواهم اعلام کنم هر فردی که در دایره اصولگرایی و اصلاح‌طلبی قرار دارد و البته برای ما محترم است، اگر فکر کند می‌تواند از قوانین حقوقی، تشکیلاتی و سازمانی دولت جمهوری اسلامی تخلف کند، این خیال باطل است. اینکه از تخلف فرد خاطی به دلیل اینکه به گروه خاص وابسته است، گذشت کنیم اقدام درستی نیست».

ادامه از صفحه ۶

انتقادات شما به روش مدیریتی دهه ۷۰ را می‌توان در انتقادات زمان کاندیداتوری در انتخابات ۷۲ و فیلم انتخاباتی سال ۸۰ دید.
ایسن فیلم نمادهای خاصی داشت. هم لباسی که به تن داشتید و همان کاپشن بعدها به نماد آقای احمدی‌نژاد تبدیل شد، هم تصویر ماشین و خانه شخصی شما و تأکید بر ریسک‌رای‌نیابوردن آقای ناطق و خودم. من اعتقاد دوره کاندیداتوری هم رای قابل‌توجهی برای شما آورد. اما سؤال اینجاست که وقتی احساس می‌کنید این گفتمان در جامعه پتانسیل دارد و جامعه واکنش مثبتی به آن دارد، چرا در هر دو بار در میان‌دوره وارد رقابت انتخاباتی شدید؟ اگر در پایان دوره هشت‌ساله آقای هاشمی که ناراضیاتی‌ها هم به‌نسبت زیاد بود، یا در پایان دوره آقای خاتمی وارد رقابت می‌شدید، احتمال موفقیت شما بیشتر بود؟

در سال ۷۶ من تازه از تحصیل برگشته بودم. آقای ناطق مصمم شده بود و تمام همفکران ما به این تصمیم رسیده بودند. من باید انتخاب می‌کردم بین ریسک‌رای‌نیابوردن آقای ناطق و خودم. من اعتقاد داشتم اگر نامزد می‌شدم رای می‌آوردم. اما بعد یک شکاف بین اردوگاه درست می‌شد. حکومتاری در فقدان حزب روی شاخ رفاقت و اطمینان‌بین‌فردی استوار است. من اعتقاد داشتم حتی اگر در آن شرایط بیایم، رای می‌آوردم. اما فکر کردم حتی اگر رای بیاورم، تمام دوستان خودم را آزرده می‌کنم و با من همکاری نمی‌کنند و باین‌حساب، چه رئیس‌جمهور به‌دردنخوری می‌شوم. امثال من چون بسیاری از عادات و تمایلاتمان با سیاست‌مداران سازگار نیست، مخالفت‌برانگیز هستیم و راحت نمی‌توانیم حکومت کنیم. حالا اگر هم مخالفت‌ها را برانگیزانیم، هم رفاقت‌هایمان را از دست دهیم و رفاقت کم اثر کند و هم در شرایطی که احتمال دارد رقیب برنده شود، این ریسک را بکنیم که متهم شوم با ورود خود باعث شکستن آرا و پیروزی رقیب شده‌ایم، عقل حکم می‌کند از این کار اجتناب کنیم و من اجتناب کردم. ولی در وسط دوره آقای خاتمی، من براساس وظیفه آمدم و فکر می‌کردم اصلاحات دوم خرداد از لحاظ سیاسی و فرهنگی دارد کج می‌رود.

یعنی اینجا دیگر بحث و انتقاد شما صرفا اقتصادی نبود. وجه غالبش فرهنگی- سیاسی بود.

کمتر اقتصادی بود، ولی من عادت دارم به مسائل اقتصادی ربطش دهم. من می‌گویم وقتی شرایط فرهنگی نامناسب باشد و با مبانی جامعه همخوانی نداشته باشد، جامعه دچار تنش می‌شود. یکی از بدترین کارهایی که در دوره آقای خاتمی انجام شد و شاید اگر این اتفاقات نمی‌افتاد، وضعیت اقتصادی مردم بهتر می‌شد، همین تنش‌های سیاسی بود. آدم‌های عاقل می‌فهمیدند اینها در این تنش‌ها برنده نمی‌شوند، اما دست‌انداز درست می‌کنند. در دوره خاتمی از نظر سیاسی یک نوع سکولاریسم تبلیغ شد که با اسلام و قانون اساسی همخوانی نداشت. از نظر فرهنگی- اجتماعی هم یک نوع اباحی‌گری تبلیغ می‌شد که گمانم این است، خود آقای خاتمی هم همین وضعیت فرهنگی را قبول نداشت. به این معنا که شرع مورد طعنه قرار می‌گرفت، عقاید مردم مورد طعنه قرار می‌گرفت، مشکل آقای خاتمی این بود که خودش این‌گونه نبود که احکام شرع را قبول نداشته باشد و خودش منزّه از اباحه‌گری بود، هرچند شاید از نظر سکولاریسم نزدیکی‌هایی با آن تفکر داشت. ولی مزاج و مشی او طوری بود که این دو ویژگی فرهنگی و سیاسی به‌وجود آمد و جامعه را دچار مشکل کرد و تعارضات اجتماعی و سیاسی را بالا برد. تقابل اجتماعی وقتی به‌وجود می‌آید، کارکرد حکومت دچار مشکل می‌شود. حکومت یک سیاست‌گذار می‌خواهد اما در آن طرف نیاز به یک سیاست‌پذیر هم هست. مردم وقتی به حکومت اعتماد پیدا کنند و سیاست دولت را نجات‌بخش بدانند، حتما همکاری می‌کنند و همکاری مردم بسیار ارزشمند است و بدون آن پیشرفت ممکن نیست و اگر هم حاصل شود، دوام ندارد. اگر مثل معارض شد، امور دیگر را نیز مختل می‌کند. البته من به‌وجود‌وجه منظورم این نیست، همه کسانی که آن زمان اصلاح‌طلب بودند، هم اباحه‌گر و سکولار بودند، اما لاقال به این دو جریان حمله نمی‌کردند تا حسابشان از آنها جدا شود.

آیا من مسیری که شما به آن کج‌روی دولت اصلاحات می‌گویید، از نظر چه بخشی از جامعه، معارض بود، یعنی اقلیت این‌طور فکر می‌کردند یا اکثریت؟

در جامعه ما متدینان انقلابی حتی اگر اقلیت شوند مؤثرتر از اکثریت شکل‌نیافته غیرحزبی هستند. **بالاخره یک بدنه رای‌ی برای آن تفکر به‌وجود آمده بود و شاید معمول نباشد رئیس‌جمهور با بدنه اجتماعی‌ای که به او رای داده‌اند، مقابله کند.**

بله، چون خاتمی یک حسنی داشت و آن تواضع نسبت به نجبگان بود و نجبگان نیز در جامعه بسیار تأثیرگذار هستند. درست مثل حسن احمدی‌نژاد که در برابر تهیدستان تواضع داشت و از این جهت مؤثر واقع شد و برای خودش بدنه رای پیدا کرد. بدنه رای

همیشه تحت تأثیر نوع سیاست نیست. تحت تأثیر خوش‌رفتاری و تواضع نیز رای شکل می‌گیرد، یعنی اینکه آقای خاتمی به نجبگان احترام می‌گذاشت باعث رای بالای او در شهرهای بزرگ می‌شد، همان‌طور که در روستاها و شهرهای کوچک‌تر به دلیل تواضعی که آقای احمدی‌نژاد نسبت به آنها داشت، رای او بالاتر رفت. این رای نشان‌دهنده حمایت از سیاست‌ها نیست، ما عادت داریم بسیاری از مسائل را مصادره‌به‌مطلوب کنیم. مثلا آقای روحانی می‌گوید مردم به اعتدال رای دادند. بله مردم خودشان احساس کردند شاید آرامش بیشتری در این مشی که اسمش اعتدال است، پیدا شود. وقتی روحانی تعریفی از اعتدال می‌دهد این را دیگر نباید به مردم نسبت داد. باید بگویید مردم به من اعتماد کردند و من اعتدال را این‌گونه تعریف می‌کنم.

گفتمان شما در سال‌های ۷۲ و ۸۰ شباهت بسیاری به گفتمان ۸۴ احمدی‌نژاد داشت. آیا این پروژه شخصی شما بود و تصادفا با گفتمان احمدی‌نژاد مشابهت داشت یا پروژه‌ای سازماندهی‌شده پشت این ادبیات و گفتمان بود؟ چون کلیدواژه‌هایی مثل اشرافیت و نقد هاشمی و این نوع مسائل خیلی شبیه هم مطرح می‌شد و هم‌زمان بحث بنیان‌گذاری راست

مدرن هم از سوی افرادی نظیر شما و آقای حداد مطرح می‌شد. آیا بخشی از جناح راست سنتی به این نتیجه رسید که با یک ادبیات و چهره جدید در صددت با اشرافی‌گری و سرمایه‌داری به میدان بیاید تا بتواند به عرصه برگردد و درنهایت میوه آن را احمدی‌نژاد چید؟
در انتخابات مجلس هفتم تقریبا سازماندهی‌شده بود و حرف‌های ما از طرف مؤثرین جناح راست که آن زمان ما

می‌شناختیم، پذیرفته شد. تأکید بر عدالت‌خواهی، تأکید بر تحول‌خواهی و اصطلاح اصولگرای اصلاح‌طلب که اولین بار آقا به‌کار بردند، مربوط به همان دوران بود. ما تقریبا این‌طور بودیم؛ یعنی هم تحول‌خواه بودیم، هم عدالت‌محور و هم استکبارستیزی بودیم و در سیاست خارجی من و موسوی شبیه هم می‌شدیم و در سیاست داخلی جاهایی اختلاف داشتیم و در اقتصاد خیلی اختلاف داشتیم. این صفات که از روی اعتقاد در امثال بنده جمع شده بود مورد قبول مؤثرین جناح راست مانند آقای عسکروالادی و آقای نوری قرار گرفت. زحمات آقای حسین فدایی هم مؤثر بود. بنابراین اگر فهرست جناح راست مجلس هفتم را ببینید ترکیب کاملا متفاوت است از مجلس‌های قبل. این تفاوت به دلی وجود عناصری بود که مثل ما فکر می‌کردند دین تکیه نداشت، دوری می‌کردند. ما به آزادی تأکید می‌کردیم و به آن اهمیت می‌دادیم. درحالی‌که خیلی از اصولگرایان می‌گفتند ما که حرف دینی می‌زنیم مردم باید بپذیرند، اما ما بر اقناع مردم و مشارکت آنان تأکید داشتیم.

شما می‌گویید، در آن دوره روی آزادی تأکید داشتید و هم‌زمان هم با آزادی‌هایی که دولت آقای خاتمی داده بود، مخالفت می‌کردید. برای آزادی‌هایی که دولت آقای خاتمی داده بود با آزادی‌هایی که شما روی آن تأکید داشتید، چه بود؟

ما آزادی را با قانون اساسی و شرع حد می‌زنیم. آنها زیاد حد نمی‌زدند. البته بین آدم‌هایشان تفاوت وجود داشت، ولی در برخی موارد به ولینگار اجتماعی هم می‌رسیدند و حتی در برخی موارد به ساختار سیاسی هم تعرض کردند. ولی ما وقتی به عنوان شیعه از اصل ۱۱۰ یاد می‌کنیم ولی‌فقیه را فضل‌الخطاب می‌دانیم. اما سکولاریسم معتقد است هرکس یک رای دارد و برای هیچ‌کس فضیلت قائل نیست. ما می‌گوییم هر کس یک رای، اما اگر اختلاف پیدا شد یک نفر که ولی‌فقیه است فکر آخر را می‌زند که با حسن نیت و عادل است. این محل اختلاف ما بود. در سیاست از مرز عبور می‌کردند و ما عبور نمی‌کردیم. در اجتماعات هم ما بر شرع اصرار داشتیم و آنها اصرار نداشتند و متأسفانه بعضی از طیف‌های اصلاح‌طلب کم اعتنایی به شرع را تئوریزه می‌کردند.

این برنامه‌ریزی و سازماندهی که برای مجلس هفتم داشتید با محوریت چه کسانی بود

و در ادامه به کجا رسید؟

تیپ ما و فرمان به ویژه با حمایت آقای ناطق نوری پیش رفت و در نتیجه مجلس هفتم ترکیب تازه‌ای پیدا کرد. عده‌ای سرشناس نو وارد مجلس شدند و عدالت‌خواهی این مجلس هم نسبت به مجالس قبل و هم نسبت به مجالس بعدش شاخص بود ولی متأسفانه این اتحاد باقی نماند.

ما در واقع احمدی‌نژاد خروجی همین سازماندهی بود؟

وقتی به زمان آقای احمدی‌نژاد رسید ما فرارومدار گذاشتیم که چه کسی بماند و چه کسی

سیاست

احمد توکلی در گفت‌وگو با «شرق» از ۳ دهه انتقاد از دولت‌ها می‌گوید:

مجلس هفتم را با حمایت ناطق سازماندهی کردیم

از گود خارج نشود. من فکر می‌کردم که اگر خودم این تبعیت از تصمیم جمعی را شروع کنم، بقیه هم از این فرارومدار تبعیت می‌کنند. ولی رفتارهای شخصی آقای احمدی‌نژاد بیشتر می‌چربید بر کارهای جمعی‌اش. کارهای جمعی‌اش هم با افراد خاصی بود که ما بعدا فهمیدیم، لاقال من آن زمان نمی‌دانستم. آقای احمدی‌نژاد از فضای آماده‌شده دوره‌های قبل استفاده کرد ولی اسب خودش را راند.

شما چند سال روی گفتمان ساده‌زستی و ضداشرافی‌گری کار کردید و در بزنگاه انتخاب وقتی احمدی‌نژاد این گفتمان را برای خودش مصادره کرد، شما را در اردوگاه حامیان قالیلیاف دیدیم. کاراکتر دکتر خلیان قالیلیاف چه نسبتی با آن شعارهای ضداشرافیت و ساده‌زستی شما داشت؟ مردم حرف‌های سال‌های قبل شما و حمایتتان از قالیلیاف در مقابل احمدی‌نژادی را که کبی سال‌های قبل شما بود، چگونه باید تفسیر می‌کردند؟ آیا این هم نتیجه، همان مورد رفاقت است که می‌گویید سیاست روی شاخ آن می‌چرخد؟

من با آقای قالیلیاف هیچ‌وقت رفاقت نداشتم، حداقل تا آن زمان. معاشرت شخصی هم نداشتم. اما حکومت‌داری عقل می‌خواهد. یک شخصیت آرامش‌بخش می‌خواهد. اگر این را ملال بگیریم می‌بر اساس اصول خودم نمره می‌دهم، می‌گویم ساده‌زستی این‌قدر نمره مثبت و اشرافیت این‌قدر نمره منفی. ولی عقل و حرکت جمعی و احترام به نظر دیگران هم مهم است. من معتقد بودم این شاخص‌ها در آقای قالیلیاف بیشتر از آقای احمدی‌نژاد است. من با آقای قالیلیاف هیچ‌وقت رفاقت نداشتم، حداقل تا آن زمان. معاشرت شخصی هم نداشتم. اما حکومت‌داری عقل می‌خواهد. یک شخصیت آرامش‌بخش می‌خواهد. اگر این را ملال بگیریم می‌بر اساس اصول خودم نمره می‌دهم، می‌گویم ساده‌زستی این‌قدر نمره مثبت و اشرافیت این‌قدر نمره منفی. ولی عقل و حرکت جمعی و احترام به نظر دیگران هم مهم است. من معتقد بودم این شاخص‌ها در آقای قالیلیاف بیشتر از آقای احمدی‌نژاد است.

آن زمان آقای لاریجانی و تا مقطعی آقای رضایی هم بودند. به توجّه به نسبت

فامیلی و نزدیکی‌ای که با آقای لاریجانی دارید احتمالا شناخت شما از ایشان بیش از قالیلیاف بوده، اما در میان همه گزینه‌ها از قالیلیاف حمایت می‌کنید که فاصله‌اش با آن گفتمان عدالت‌گرای شما بیش از بقیه کاندیدب‌های اصولگرا بود.

بله، ببینید اگر کسی بداند رای‌اش را به آقای رضایی بدهد و این رای هیچ نتیجه‌ای در انتخابات ندارد، تأثیر انتخاباتی خودش را خشنی کرده است. من نگاه می‌کنم و می‌بینم بین قالیلیاف و احمدی‌نژاد و هاشمی رقابت است. بنابراین باید بین اینها انتخاب کنم که نه بین کسی که می‌داند رای نمی‌آورد. معتقدم کسی که رای خودش رای بدهد باید طوری عمل کند که رایش هدر نرود. حتی آن زمان به آقای لاریجانی گفتم رای نمی‌آوری. پس من به او رای نمی‌دهم و بهتر است که بین رقبای اصلی ولو به طور نسبی یکی را انتخاب کنم. من راضی نبودم هاشمی رئیس‌جمهور شود چون امتحانش را پس داده بود. بین آقای قالیلیاف و احمدی‌نژاد، بنده به طور واضح قالیلیاف را ترجیح دادم؛ هم به دلیل سابقه مبارزاتی‌اش در جنگ و دفاع از کشور و هم به دلیل رفتارهایی که از نظر عقلانی قابل‌قبول‌تر می‌دانستم. البته آقای احمدی‌نژاد شخصا ساده‌زست‌تر بود. اما همه چیز ساده‌زستی نیست. عقل خیلی مهم‌تر از ساده‌زستی است.

بعد از آن حمایت تا امروز، ۱۰ سال است که آقای قالیلیاف شهردار تهران است. در این ۱۰ سال صادراتش در شهرداری تهران، به‌خاطر ندارم شما با همان ریزبینی که رفتار دولت‌ها را زیر نظر گرفته‌اید، شهرداری تهران را رصد کرده باشید. به ویژه در مسائل مالی و رانت که شما به طور جدی آن را پیگیری می‌کنید، شما اطلاعی از وضعیت شهرداری تهران در این سال‌ها دارید؟ چون شهرداری همواره محل نزاع و سؤال بوده و شما هم به‌عنوان نماینده تهران در مجلس حاضر هستید و با توجه به حساسیت‌هایتان می‌خواهم بدانم تا به حال موردی پیش نیامده که درباره شهرداری، تخلفی در عملکردها، قرارداده‌ا و مسائل مالی ببینید؟

من نه به دلیل رفاقتی که با قالیلیاف پیدا کرده‌ام، بلکه به دلیل دیگری این موضوع را پیگیری نکرده‌ام. من هروقت سند یا اطلاعی به دستم برسد و متوجه شوم تخلفی اتفاق افتاده، پیگیری می‌کنم. در این پیگیری هم کاری ندارم فردی که مرتکب تخلف شده، دوست من است یا نه. اتفاقا اگر رفیقم باشد، راحت‌تر می‌توانم از او سؤال کنم که ماجرا چیست و رحم نمی‌کنم، بلکه امکان کنکاش بیشتری خواهم داشت. ولی درباره شهرداری تا الان خبرهای تأییدشده شنیده‌ام، ولی چیز مستند و موثق به دستم نرسیده که پیگیری کنم اما اگر در شهرداری با چیزی برخورد کنم، حتما به آن نیز خواهم پرداخت. فرض من این است که شوروی شهر بر شهرداری نظارت دارد و آدم‌های حساسی نیز در شورا هستند. دولت به‌طور مستقیم‌تر به من مربوط می‌شود و زور من صرف مسائل دولت می‌شود. اما اگر مسئله‌ای اتفاق بیفتد و خیرش به من برسد، حتما کوتاهی نخواهم کرد. چون اصلا

این‌طور نیست که تصور کنید از آقای قالیلیاف چیزی عاید من می‌شود. من بر اساس وظیفه‌ام از ایشان حمایت کردم و در این مسیر هم حمایت از قالیلیاف مانند یک خیابان یک‌طرفه بوده است. من از ایشان حمایت کردم چون ایشان را ترجیح دادم.

طرحی درباره شفاف‌سازی وضعیت مالی شهرداری‌ها سال گذشته در مجلس مطرح شد که به کمیسیون ارجاع داده شد و دیگر برگشت. پیگیر آن نبودید؟ یکی از نمایندگان که همان زمان پیگیر ماجرا بود، به ما گفت شهرداری تهران چندین هزار نفر کارمند دارد که حقوق می‌گیرند که اسامی آنها به جایی ارائه نمی‌شود و اگر هزار اسم صوری هم در این میان باشد، کسی خبر ندارد. از این نوع ابهام‌ها در شهرداری وجود دارد.

من تکذیب نمی‌کنم که احتمال دارد در شهرداری چنین چیزهایی وجود داشته باشد. اما من الان مجبورم از زمانی که مشکلات بیماری پیدا کردم، با بخل بیشتری وقتم را تخصیص بدهم. اگر جوان‌تر بودم، شاید می‌توانستم کارهای بیشتری انجام دهم.

ما از بحث شهرداری عبور کنیم. می‌خواستم سرنوشت آن جریان جدید اصولگرایی، که در مجلس هفتم شکل گرفت، را بدانم. الان احزاب طیف راست سنتی مانند مؤتلفه بعد از مرحوم عسکروالادی و بخشی از جامعه روحانیت بعد از مرحوم مهدوی‌کنی، به طیف جدیدی که در امتداد گفتمان شما و آقای احمدی‌نژاد شکل گرفت، نزدیک شده و الان جمعیت رهپویان و اثناگرگان که شما به آنها نزدیک بودید، به همراه طیف سنتی، به جبهه پایداری پیوسته‌اند. یک طیف اعتدالی هم در میان اصولگرایان وجود دارد که با جبهه‌هایی مثل آقای ناطق و آقای لاریجانی شناخته می‌شود و جایی بین اصولگرایی و اصلاح‌طلبی ایستاده است، شما کجای این جریان قرار دارید؟ به این سر طیف نزدیک هستید یا آن سر با اینکه دوباره به فکر خلق گفتمانی هستید که نه این باشد و نه آن؟

اگر نتوانی‌اش را داشتیم، حتما گزینه آخر را انتخاب می‌کردم. من معتقدم پیدایش جبهه پایداری یکی از عوامل مؤثر اختلاف میان همین جریان تحول‌خواه اصولگرا بود. من هم تحرک سابق را ندارم و به دلیل وضعیت بیماری‌ام تقریبا در جلسات شرکتی ندارم، چون به اعصاب فشار وارد می‌کند و ترجیح می‌دهم قدرتم را مستقیماً صرف مردم کنم. در این دو سر جریان اصولگرایی که شما به‌دستی گفتید، من به رهپویان و اثناگرگان نزدیک‌ترم، اما به دلیل اینکه در جلسات شرکت نمی‌کنم، درباره تصمیم‌گیری‌ها هم نمی‌توانم حرفی بزنم یا نظر بدهم. در واقع دیگر من در آستانه دوران بازنشستم، هسمت ام می‌توانستم، گزینه سومی که گفتید را انتخاب می‌کردم و جریان جدیدی به راه می‌انداختم.

خوب شاید الان افراد دیگری هم باشند که مثل شما فکرکنند جریان جدیدی باید به راه بیفتد تا اصولگرایی دوباره بتواند به قدرت برگردد. معمولا هر جریان جدیدی که خودش را به جامعه معرفی می‌کند، یک مسئله‌ای را معرفی می‌کند و خودش می‌گوید این مسئله را حل می‌کند. یکی از مهم‌ترین کارهایی که جریان‌های سیاسی می‌کنند حل مسئله است. در دوره‌ای، عده‌ای برای حل مسئله عدالت و در دوره‌ای اصلاح‌طلبان برای حل مسئله آزادی آمدند. اصولگرایی اگر بخواهد با یک جریان تازه‌نفس بازتولید شود، می‌خواهد چه مسئله‌ای را حل کند؟

من با توجه به توانایی و زورم ممکن است دنبال جریانی بروم که این‌قدر سیاسی نباشد و به‌زودی دراین‌باره حرف‌هایی می‌زنم. فکر می‌کنم اگر عدالت نباشد، آزادی هم تلف می‌شود و سرش را می‌برد. چون وقتی از آزادی سخن گفته می‌شود، ذهن ما به دنبال این می‌رود که کسی که حرف می‌زند، کسی که با او کاری نداشته باشد. اما آزادی وجود مختلفی دارد. شما اگر نتوانید حقتان را از کسی که به شما ظلم کرده بازپس بگیرید، ولو اینکه هرچه بگویید منظر او را شما کاری نداشته باشد. آیا آزادی‌د؟ البته اگر کسی از آزادی بیان این‌ا باشد که بعد از بیان‌کردن به او تعرض نشود، در عدالت هم تأثیرگذار است. اینها لازم و ملزوم هم هستند. اشتباه‌اصلاحات این بود که همه چیز را به فاز سیاسی برد و تعارضات پیدا و مشکل‌ساز هم شد. نمی‌دانم اصولگرایان اگر خواهند آزادی هم تلف می‌شود و سرش را می‌برد. و چه راهکاری برای حل آن مسئله اصلی خواهند کرد. اما به نظر من مشکل اصلی کشور درحال‌حاضر فساد است و مبارزه با فساد را مهم‌ترین کار سیاسی، اجتماعی و دینی می‌دانم.

برای این مبارزه با فساد، رویکرد شما، مهندسی مجدد ساختارهای کلان نظیر لغو انحصارها و... است یا به مسائلی مثل شفافیت اداری و مالی نهاده‌ها و رصد رسانه‌ای قائل هستید؟ یعنی الان اگر شما دولت را در اختیار داشته باشید، چگونه می‌توانید مقابله با فساد را شروع کنید؟

توضیح این را بگذارید برای یک وقت دیگر. من دراین‌باره دارم کارهایی انجام می‌دهم و آن‌شاءالله به‌زودی آنها را اعلام خواهم کرد.

منهای پایتخت

حضور رؤسای قوای مقننه وقضائیه در مراسم عزاداری بیوت علما

• تسنیم: قم؛ هم‌زمان با عاشورای حسینی، علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، و آیت‌الله آملی‌لاریجانی، رئیس قوه‌قضائیه، با حضور در دفتر آیت‌الله سبحانی، مرجع تقلید شیعیان، در مراسم سوگواری امام‌حسین(ع) شرکت کردند. رؤسای قوای مقننه و قضائیه جمعه‌شب نیز هم‌زمان با شب عاشورا در مراسم عزاداری‌ای که در بیت مرحوم آیت‌الله میرزاهاشم آملی‌لاریجانی برگزار شده بود، حضور یافته بودند. علی‌لاریجانی همچنین در مراسم عزاداری دفتر مقام معظم رهبری در قم و بیت آیت‌الله نوری‌همدانی نیز حاضر شد. رئیس مجلس، شب عاشورا هم در مراسم عزاداری مسجد انصارالمهدی(ع)، مسجد صاحب‌الزمان(عج) منطقه قلعه کامکار، حسینیه شهدای زنبیل‌آباد، هیات رزمندگان اسلام، حسینیه ارک و هیات‌خادم‌الرضا(ع) شرکت کرد.

اقدامات فرهنگی در کشور درمقابل جنگ نرم دشمن کافی نبوده‌است

• فارس: زنجان؛ سردار جهانبخش کرمی، فرمانده سپاه انصارالمهدی(عج) استان زنجان، گفت: با وجود اقدامات مطلوب انجام‌شده در زمینه فرهنگی، این فعالیت‌ها در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن کافی نبوده‌است. او افزود: امریه‌مشروف و نهی‌ازمنکر از قریضه‌های مهم و حیاتی در جامعه‌است. او با اشاره به اینکه فرضه امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر از مهم‌ترین واجبات دینی در اسلام‌است، عنوان کرد:اجر انجام این فرضیه بسیار بالاتر از جهاد است. فرمانده سپاه انصارالمهدی(عج) استان زنجان با اشاره به اینکه انجام فرضیه امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر شامل همه باید‌ها و نیاید‌های دین اسلام می‌شود، تأکید کرد: اصلاح اجتماع در اسلام از طریق امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر میسر می‌شود. سردار کرمی در ادامه با اشاره به اقدامات صورت‌گرفته در زمینه فرهنگ‌سازی امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر، تصریح کرد: انجام امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر لسانی و عمومی، وظیفه همه آحاد جامعه‌است. او با اشاره به اینکه برگزاری برنامه‌ها و همایش‌های مختلف با موضوع امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر از ماه‌ها قبل در استان زنجان آغاز شده‌است. ادامه داد: ستاد امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر به ریاست نماینده ولی فقیه در استان زنجان تشکیل و برنامه‌ریزی‌های لازم برای توسعه و گسترش امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر در استان انجام شده‌است. فرمانده سپاه انصارالمهدی(عج) استان زنجان از برگزاری جلسات توجیهی برای ائمه جماعات، مداحان و سخنرانان مراسمات مذهبی خبر داد و افزود: این جلسات با هدف آموزش روش‌های ترویج امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر در ایام محرم در مساجد و تکیا انجام شده‌است.

در دیدار استاندار آذربایجان شرقی مطرح‌شد:

انتقاد رئیس جمهوری آذربایجان از سیاست غرب در کشورهای منطقه

• ایرنا: تبریز؛ الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان، در دیدار با استاندار آذربایجان شرقی در باکو از دخالت کشورهای غربی در امور داخلی کشورهای منطقه انتقاد کرد و گفت: ما از سیاست عدم مداخله دیگران در امور کشورها حمایت می‌کنیم. اسماعیل جبارزاده، استاندار آذربایجان شرقی، نیز در این دیدار با ابلان سلام گرم دکتر روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، به مشترکات فرهنگی، مذهبی و تاریخی دو کشور اشاره کرد و گفت: روابط خوب تهران و باکو در سال‌های اخیر نشان از اراده رهبران دو کشور بر گسترش مناسبات دارد. او با یادآوری دیدار خود با حیدر علی‌اف در زمان ریاست وی در مجلس عالی نخجوان، از الهام علی‌اف برای سفر به تبریز دعوت کرد. او با تشریح ظرفیت‌های صنعتی، اقتصادی، تجاری، گردشگری و درمانی استان آذربایجان شرقی، گسترش مناسبات دو طرف را خواستار شد. استاندار آذربایجان شرقی و هیات همراه وی در ادامه سفر خود به جمهوری آذربایجان با وزرای امور خارجه، اقتصاد و صنعت و استاندار باکو دیدار خواهند کرد و با حضور در استان گنجه و دیدار با مقامات این استان از ظرفیت‌های این استان نیز بازدید می‌کنند.

مبارزات مردم یمن وفلسطین الهام‌گرفته از جریان کربلاست

• ایرنا: قم؛ آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی، از مراجع تقلید، گفت: مبارزات مردم یمن و فلسطین علیه سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها، الهام‌گرفته از جریان کربلاست. او گفت: اگر یمن علیه آل‌سعود جاهل دارد می‌جنگد با الهام از اسلام کربلایی است. اگر فلسطین دارد با اسرائیل مبارزه می‌کند با همین اسلام کربلایی است و اکنون ایران اگر اسلامی است به برکت کربلاست. آیت‌الله جوادی‌آملی با بیان اینکه جریان نهضت کربلا مثل خود اسلام با دو اصل کلیت و دوام همراه است، اظهار کرد: عنصر اول در این نهضت، این است که تولی آن حضرت و تبری از دشمنان آن حضرت مثل خود اسلام با دو اصل همراه است. او ادامه داد: یکی کلیت و یکی دوام؛ یکی همگانی و یکی همیشگی؛ یعنی همان‌طوری که اسلام با این دو اصل نازل شده‌است که جهان‌شمول است. برای همه مردم الی یوم‌القیامه‌است. تولی و تبری نسبت به جریان کربلا هم این‌چنین است.